

گفتگو و نویسندگی



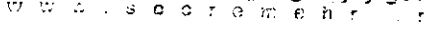
مجموعه آثار
آرژانتین

Gloria Kempton
گلیا کمپتون
نویسنده و مترجم

گفتگو و نویسندگی
آرژانتین

این اثر ترجمه‌ای است از:

Dialogue By Gloria Kempton USA,
Ohio: Writer's Digest Books, 2004





ترجمه این کتاب را تقدیم می‌کنم به
همسرم به خاطر همه حمایت‌ها و تشویق‌های بی دریغش
و به مهربانی‌های پدر و مادر من

ف.م



.....	۰۰۹
.....	۰۱۱
.....	۰۱۷
.....	۰۴۱
.....	۰۶۷
.....	۱۰۷
.....	۱۲۵
.....	۱۶۵
.....	۱۹۵
.....	۲۲۹
.....	۲۵۷
.....	۲۸۱
.....	۳۱۵
.....	۳۳۵
.....	۳۶۷
.....	۳۸۱
.....	۴۱۱
.....	۴۲۹
.....	۴۳۱
.....	۴۵۷
.....	۴۸۳



www.ketab.ir

درباره نویسنده

پدیده

فصل اول

آزاد کردن صدای درون و هدف گفت‌وگو

فصل دوم

شخصیت‌ها و داستان‌های لال: غلبه بر ترس

فصل سوم

تک‌ب‌های مرسوم داستانی، رمان عمومی و رمان ادبی ...

فصل چهارم

ج‌خ‌های گردنده: گفت‌وگویی که داستان را پیش می‌برد

فصل پنجم

کی‌ی روایت، گفت‌وگو و حادثه

فصل ششم

اف‌های شخصیت‌ها و انگیزه آن‌ها از زبان خود شخصیت‌ها

فصل هفتم

استفاده از گفت‌وگو برای ارائه مکان و زمان و پس‌زمینه داستان

فصل هشتم

استفاده از گفت‌وگو برای تنظیم سرعت داستان

فصل نهم

تشدید تنش و تعلیق طریق گفت‌وگو

فصل دهم

استفاده از گفت‌وگو برای مشخص کردن حال و هوای داستان

فصل یازدهم

گفت‌وگو و بازتاب ویژگی‌های فردی: حرف زدن

فصل دوازدهم

گفت‌وگو و اشتباهات بسیار مرسوم

فصل سیزدهم

نقطه‌گذاری و ملاحظات آخرین لحظه

فصل چهاردهم

بایدها و نبایدهای گفت‌وگونویسی

فصل پانزدهم

ارتباط با خواننده: می‌توانید چیزی و کسی را درگور کنید

ضمیمه

واژه‌نامه انگلیسی - فارسی

واژه‌نامه فارسی - انگلیسی

نمایه

درباره نویسنده

گلوریا کمپتون نویسنده آمریکایی و معلم داستان‌نویسی است و قبلاً سردبیر مجله، ویراستار و مدیر تولید کتاب بوده است. از او تاکنون چند کتاب غیرداستانی مانند عشق به همدیگر، بسید، همدیگر و لبه تیز احساسات و دو رمان نوجوانان به نام‌های جوانین و اندرو منتشر شده است.

وی در ضمن اینک دبیر سرویس مجله نویسندگان رایترز «ایجست» و آموزگار نویسندگی در سایت اینترنتی نویسندگان رایترز دایجست www.writersonlineworkshops.com است.

این نویسنده در گذشته مدیر تولید کتاب بسیاری از ناشران بزرگ

1. Love One Another
2. Forgive One Another
3. The Passionate Edge
4. Jocelyn
5. Andrea
6. Writer's Digest

و نیز از گردانندگان و سخنرانان بسیاری از همایش‌ها و کارگاه‌های نویسندگی در سراسر آمریکا بوده است. وی همچنین هم‌اکنون استاد نویسندگی در دانشکده بلو و کامیونیتی کالج^۱ و مدیر کارگاه‌های آموزش نویسندگی در سیاتل^۲ است.

مقدمه

گفت وگو، گفت وگو است؛ نه چیزی بیشتر و نه چیزی کمتر. واقعاً ما چقدر به گفت وگوهای روزمره خود فکر می‌کنیم؟ چقدر به خودمان فشار می‌آوریم تا گفت وگو کنیم؟ چقدر تحت فشار روانی هستیم تا مطمئن شویم تک تک کلمات را صحیح ادا می‌کنیم و منظورمان را دقیق می‌رسانیم یا از لحنی که احساسات واقعی مان را آشکارا می‌پندارند استفاده می‌کنیم؟ و یا چه فشار روانی ای را تحمل می‌کنیم تا مطمئن شویم که آیا از دست و پا و بدنمان به گونه‌ای استفاده کرده‌ایم تا انواع صحبت‌هایمان جور دربیاید یا آیا به طرف مقابل فرصت صحبت کرده‌ایم تا او فکر نکند داریم برایش سخنرانی می‌کنیم و... من که وقتی به این چیزها فکر می‌کنم کلافه می‌شوم. البته تأکید ما روی این نیست که وقتی مدر پیاده‌رو با همسایه‌مان صحبت می‌کنیم به این روش با او صحبت کنیم. ما وقتی می‌خواهیم گفت وگوهای شخصیت‌هایمان را بنویسیم،

از همین روش‌ها استفاده می‌کنیم. به همین دلیل هم گفت و گونویسی برایمان خیلی مشکل می‌شود.

اما درواقع گفت و گونویسی کار مشکلی نیست. ما آن را مشکل

می‌کنیم.

پیش فرض من برای این کتاب هم همین است. هدف من ریز کردن روند گفت و گونویسی است تا برای نویسندگان همچون امری طبیعی، مانند درس کشیدن و حرف زدن باشد؛ دو کاری که ما از بدو تولد تا حالا داریم انجام می‌دهیم. بله، به محض اینکه ما شروع به نفس کشیدن می‌کنیم در ضمن شروع به حرف زدن می‌کنیم، فقط کلمه‌ای ادا نمی‌شود همان‌طور که ممکن است ما به طور طبیعی نفس نکشیم (بسیاری از ما حتی با سی‌رویم نفسمان را توی سینه حبس می‌کنیم) ممکن است به گویای حرف بزیم که دوست داریم دیگران بشنوند. بنابراین وقتی می‌نشینیم یا گفت و گو می‌کنیم را بازآفرینی کنیم، خیلی درباره آن فکر می‌کنیم؛ آن قدر که از نوشتن آن عاجز می‌شویم.

در زندگی گذشته‌مان معمولاً کسی تلاش کرده تا به ما یاد بدهد که چگونه باید حرف بزیم و بعد ما یاد گرفتیم که چگونه حرف بزیم. در آن موقع به خاطر درست صحبت کردن ما را تشویق و به خاطر درست حرف زدن ما را سرزنش کرده‌اند:

- ماما جان، چرا داد می‌زنی؟ صدایت را می‌شنوم.
- بچه جان با این لحن با من حرف نزن.
- می‌توانم سیب زمینی بیشتری بردارم؟
- نه سوزی این طوری بگو، می‌شود لطفاً سیب زمینی‌های بیشتری بردارم؟
- ماما جان او احمق است.
- این طوری درباره دیگران حرف نزن، خوب نیست.

ما فکر می‌کنیم درست حرف زدن را بلدیم، بنابراین زیاد نگران حرف زدن‌های روزمره‌مان نیستیم. اما زمانی که می‌نشینیم گفت‌وگویی را روی صفحه کاغذ بازآفرینی کنیم، ناگهان دچار شک و تردیدهای زیادی می‌شویم و احساس عجز می‌کنیم. چه بسا پرسش واقعی این باشد: «ما تا خودآگاه از خود می‌پرسیم این نباشد که «آیا من می‌توانم گفت‌وگونویسی کنم؟»، بلکه باید از خودم بپرسم «آیا من درست حرف می‌زنم؟» البته من در این مورد مطمئن نیستم، اما مطمئنم که می‌توان با کمی «مکث» در مکتب زنبودیسیم این کار را آسان‌تر کرد: بهتر است زمانی که می‌خواهیم گفت‌وگو بنویسیم یک چیزی را فراموش کنیم. چه چیزی را؟

اینکه داریم گفت‌وگو می‌کنیم! باید به جلد شخصیت‌های داستانمان برویم و به آنها تبدیل شویم. بعد از درون شخصیت‌ها صحبت کنیم. در کتاب صدای شما در ایداکا: راهنمای داستان‌نویسی خلاق، تایسا فرانک و دوروتی وال می‌گویند: «مقلدهای بزرگ طرز صحبت کردن خودشان را کنار می‌گذارند و با زبان دیگران حرف می‌زنند. زمانی که روی شخصیتی کار می‌کنید بگذارید این شخص وجودتان را تسخیر کند. درواقع شما صدای مقتده‌ای را که در سرتان است رها می‌کنید و زبان شخص دیگری می‌شوید.» بسیار عجیب، این کار شبیه کار احضار ارواح است. و ما از مکتب زنبودیسیم می‌خواهیم که به عصر جدید رسیده‌ایم. شما اسبش را هر چه می‌خواهید بگذارید، اما این شیوه کار به هر حال جواب می‌دهد.

من سال‌هاست گفت‌وگونویسی می‌کنم. من با توصیف، زمان و مکان

۱. مکتب زنبودیسیم ایده درک زندگی را مطرح می‌کند. این ایده اظهار می‌دارد زمانی که شخص مفهوم واقعی زیستن را درک کرد، گویی تازه متولد شده است.

2. Finding Your Writer's Voice: A Guide to Creative Fiction By Thisa Frank And Dorothy Wall

ابزار ادبی خاص که به شما کمک می‌کند فراموش کنید دارید گفت‌وگو می‌نویسید. که این خود باعث می‌شود شما راحت شوید و حس کنید گفت‌وگوی شخصیت‌ها از دل شخصیت‌ها بیرون می‌آید نه از دل دستورالعمل‌های خاص شما در آن داستان ۲. یادآوری مکرر اینکه هنر گفت‌وگونویسی می‌تواند جنبه سرگرمی داشته باشد و با تمرین می‌شود آن را یاد گرفت.

www.ketab.ir